

ملیکا، عروس آسمانی

فاطمه ارشدی

www.ketab.ir



انتشارات نویسندگان پارس

۱۳۹۹

سلسله انتشارات - ۳۲۳

ادبیات - داستان فارسی - ۸۰

سرشناسه	:	ارشدی، فاطمه، ۱۳۵۱-
عنوان و نام پدیدآور	:	ملیکا، عروس آسمانی، نویسنده: فاطمه ارشدی / ویراستاران: فاطمه ایزدی و فاطمه رمضانی زاده سیدانی.
مشخصات نشر	:	نویسندگان پارس، ۹۹
مشخصات ظاهری	:	۳۱۲
شابک	:	۹۷۸-۶۲۲-۶۸۷۵-۷۰-۷
وضعیت فهرست‌نویسی	:	فیا
موضوع	:	نرجس خاتون(س) -- داستان
موضوع	:	داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
رده‌بندی کنگره		PIR۸۳۳۴
رده‌بندی دیویی		۸۱۳/۶۲
شماره کتابشناسی ملی		۷۳۹۳۳۳۶

«ملیکا، عروس آسمانی»

نویسنده: فاطمه ارشدی

ناشر: نویسندگان پارس

نوبت چاپ: اول، دی ۱۳۹۹

ویراستاران: فاطمه ایزدی، فاطمه

رمضانی زاده سیدانی

طراح جلد: مبینا دادوند، امین نیکنام

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۶۸۷۵-۷۰-۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۲۲۰۰۰ تومان



شیراز، خیابان برق، پلاک ۱۶

انتشارات نویسندگان پارس

nevisandegan.pars@gmail.com

۰۹۱۷۳۳۹۶۵۳۹

همه حقوق مادی و معنوی این اثر، متعلق به نویسنده است.

بر بهانه مقدمه

... سلام بانو! چگونه با این قلم شکسته و دل سوخته، شرح حال تو را وصف کنم؟

چه گویم ای دُرْدانهٔ عسکری که خدای عشق در مقابل عشق پاک تو زانو می‌زند. احساس در برابرش سربیه سجود می‌نهد و عقل روبه‌رویت کرنش می‌کند. ای عشق بی‌نهایت هستی! من در اوج خیالم، مهر و وفا و حیا را بارها در افق چشمان زیباییت به تماشا نشسته‌ام.

آن‌قدر والایی که خطبهٔ عقدت بر لبان مطهر محمد، سرور کائنات عالم جاری گشت و ترانهٔ مجلس عروسی تو، آوای حمد و تقدیس و ستایش فرشتگان شد...!

چقدر شریفی ای بانوی مهر که «فاطمه»، یاس خوشبوی آفرینش و سرور بانوان جهان در رویاهایت قدم مبارک می‌نهد و تو را در

آغوش گرمش پذیرا می‌شود و گل‌بانگ توحید را بر زبان پاکت، جاری و ساری می‌کند.

ای بانو! بلندای روح تو را از آن‌جا می‌توان دریافت که بطن پاک و شایسته‌ات، جایگاه رشد و نمو بزرگ‌مردی شد که با درایت و مدیریت خود، نظام جهان را سامان خواهد بخشید و طعم خوشِ عدل را در ذائقهٔ بشر می‌افکند.

بانوی سامرا! من نیز مانند تو واژهٔ انتظار را از درس الفبای عشق تو آموخته‌ام. شب‌هایم را در هجران گل‌نرگس تو به صبح رسانده و گذر سخت زمان را در تیش ثانیه‌ها حس کرده‌ام. غم دوری او را بر دوش کشیده‌ام و شب و روز، ظهور سبزش را از پروردگار طلب کرده‌ام...

من بسان شمعی در غم عشق و اشتیاقش می‌سوزم و در رقص لحظه‌های انتظار، ترانه‌هایم را با آهنگ غزل عشق او می‌سرایم و با او نجوای عاشقانه‌ای دارم که بیا ای گل‌ناز نرگس و برای قلب شکسته‌ام «آمن یُجیب» بخوان.

مُضطر منم! من که چشمان پر از انتظارم در جستجوی توس و گوشم به ندای آسمانی صیحه‌ای مانده است که آمدن بهارگونهٔ تو را مرده می‌دهد.